

رباط رامشت: خدمات و اقدامات تاجری ایرانی در مکه در سده ششم هجری^۱

منصور داداش نژاد^۲

استادیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، گروه تاریخ اسلام، قم، ایران

چکیده

ابو القاسم رامشت (د ۵۳۴)، تاجر خیر ایرانی، در مکه و اماکن دیگر آثار ممتاز و ماندگاری از خود به جای گذاشت. خدمات وی در شهر مکه، مانند ساختن رباطی که کارکرد پژوهشی و آموزشی داشت، تهیه جامه کعبه و ساختن ناودان طلا برای آن، در منابع کهن عربی، برخلاف منابع فارسی زبان، بازتاب به نسبت گسترده‌ای یافته است. این نوشتار با گردآوری اطلاعات پراکنده مرتبط با رامشت، در صدد است این ایرانی گمنام در عصر حاضر و مشهور در عصر خویش را بازشناسی نماید تا از خلال این بررسی، گوشه‌ای از سهم ایرانیان در شکوفایی و استمرار تمدن اسلامی بازنمایانده گردد.

کلیدواژه‌ها: رامشت، مکه، رباط.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۷/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۹/۱۳.

۲. رایانامه: m.dadash@yahoo.com

مقدمه

مکه و مدینه با زندگی مذهبی ایرانیان مسلمان از روزگار قدیم پیوند داشته و ایرانیان با حضور در حرمین شریفین برای زیارت و یا مجاورت و عهدار شدن مناصب و گاه با ارائه خدمات رفاهی و عمرانی، علاقه خویش را به آن سرزمین نشان داده‌اند.^۱ کتاب‌های تاریخ مکه و مدینه این علایق و اقدامات را ثبت کرده‌اند، چنان‌که فاسی (۸۳۲د) در *العقد الثمین* علاقه ایرانیان به اذان‌گویی در مکه را که منصبی مذهبی بوده، گزارش کرده و حدود ۱۷ تن از اعضای خاندان کازرونی را که خاستگاهشان کازرون فارس بوده و مؤذنان مسجدالحرام بوده‌اند بر شمرده است.^۲ در زمینه ارائه خدمات رفاهی نیز ایرانیان پیشگام بوده‌اند؛ نمونه آن خدمات دو ایرانی است که در قرن ششم می‌زیسته‌اند و کتاب‌های مربوط به مکه و مدینه به بزرگی از آنان یاد کرده‌اند. یکی از اینان جمال الدین محمد بن علی مشهور به جواد اصفهانی (۵۵۹د) است که صاحب مناصب دولتی بوده؛ دیگری ابو القاسم رامشت فارسی (۵۳۴د) است که به تجارت اشتغال داشته.

جمال الدین جواد اصفهانی (۵۵۹د)، در خدمت محمود بن محمد بن ملک‌شاه بود و در زمان سیف الدین غازی (۵۴۴د)، پسر اتابک زنگی، به وزارت رسید. او با تکیه بر منصب خویش مجال بیشتری برای ارائه خدمات رفاهی و عمرانی در مکه و مدینه به دست آورد و خدمات عمرانی فراوانی مانند ساختن دژ برای شهر مدینه و آبرسانی به عرفات به انجام رساند، اموال بسیاری برای حجاج هزینه کرد و هر سال پول قابل توجهی برای فقرا و حرمین می‌فرستاد.^۳ خدمات چشم‌گیر جواد اصفهانی در کتاب‌های تاریخ مکه و مدینه ثبت شده است؛^۴ اما ایرانی دیگر که معاصر جواد اصفهانی بوده و نسبت به وی کمتر شناخته شده، ابو القاسم رامشت است. درباره رامشت نوشته و مقاله مستقلی در اختیار نیست و اطلاعات مربوط به او گسیخته و پراکنده در لابلای منابع آمده است. در این نوشته، با گردآوری اخبار و گزارش‌های مربوط به وی، اثر ماندگار او، رباط رامشت و تحولات آن، بررسی شده است.

۱. نک: دوغان، *تاریخ حج گزاری ایرانیان*.

۲. فاسی، *العقد الثمین*، ۱۶۵/۲، ۲۱۴، ۲۵۰، ۲۷۳، ۵۲/۳، ۶۹، ۴۱۹، ۷۳/۴، ۳۸۷، ۳۸۸، ۷۲/۵، ۷۴، ۱۱۳، ۲۶۶، ۲۸۳/۶، ۲۷۹.

۳. نک: ابن خلکان، ۱۴۳/۵؛ ذهبی، ۲۹۱/۳۸.

۴. نک: فاسی، *العقد الثمین*؛ ۲۱۹/۱، ۲۶۰، ۳۰۸/۲، ۴۴۰/۵؛ ابن فهد، *تحالف*، ۵۱۴/۲ - ۵۱۸، ۵۲۷؛ سمهودی، ۱۳۸/۲، ۱۸۸، ۲۱۵، ۲۷۰، ۲۷۱.

اصلی‌ترین منابع تحقیق درباره رامشت

آگاهی‌های مربوط به رامشت در سه دسته از منابع یافت می‌شود: ۱. منابع جغرافیایی به‌ویژه منابع مرتبط با حرمین شریفین که گزارش‌هایی درباره خدمات وی در مکه یا یمن به‌دست داده‌اند؛ ۲. کتب تراجم که گزارش‌های این دسته بیش‌تر مربوط به کارکردهای رابط رامشت و علمای ساکن در آن است؛ ۳. تاریخ‌های عمومی، مانند *الکامل* ابن اثیر که حاوی اشارات مختصری به خدمات وی مانند تهیه جامه برای کعبه‌اند.

فاسی (۸۳۲د) بیش‌ترین و کامل‌ترین گزارش‌ها را درباره رامشت گرد آورده است. وی در سه کتاب خویش: *العقد الثمین، شفاء العَرام و الزَّهور المُتَطَفَة*، اطلاعات مهمی درباره او به دست داده است، هرچند اطلاعات دو کتاب اخیر، تکرار ناقص همان اطلاعات مندرج در *العقد الثمین* است. فاسی، در این اثر عنوانی به وی اختصاص داده^۱ و علاوه بر ارائه گزارش‌هایی که در منابع پیشین در باره رامشت آمده است، بر پایه مشاهدات از سه مدرک و سند مهم و اصیل بهره برده است. این سه سند این‌ها است: کتیبه عمارت رابط رامشت، نسخه وقفنامه رابط و سنگ قبر رامشت در قبرستان معلّاه^۲. این اسناد پس از گذشت حدود سیصد سال از مرگ رامشت هنوز وجود داشته و فاسی با تکیه بر آن‌ها مطالب تازه‌ای را بیان کرده و کتاب‌های نگارش یافته پس از فاسی نیز به استناد گزارش‌های وی اطلاعاتی در باره رامشت ارائه کرده‌اند.

شرح حال

ابو القاسم ابراهیم بن حسین بن شیرویه بن حسین بن جعفر فارسی، مشهور به رامشت^۳، در شمار بزرگان و اعیان و نیکان ایرانی بود که در مکه و کعبه آثاری از خود به یادگار گذاشت^۴. خاستگاه او فارس بود و به انتساب «فارسی» شناخته می‌شد و رامشت (به کسر میم)، به معنای شادی و طرب^۵، لقب او بود. در واقع واژه رامشت معنای اسمی و مصدری داشت و ارتباطی با نسبت «رامشی» نداشت که تعدادی از علما بدان نسبت شناخته می‌شوند. رامش در مواردی به

۱. فاسی، *العقد الثمین*، ۸۷/۴.

۲. همین مقاله، ۴-؟.

۳. فاسی، *العقد الثمین*، ۸۷/۴؛ عبدی، ۱۰۳، ابن فهد، *اتحاف*، ۵۰۴/۲.

۴. فاسی، *العقد الثمین*، ۸۷/۴.

۵. دهخدا، *لغت‌نامه*، عنوان رامشت.

عنوان نام بزرگ خاندان معرفی شده که وابستگان بدان را -که بیشتر در نیشابور می‌زیسته‌اند- رامشی می‌گفته‌اند؛^۱ این واژه هم‌چنین نام دهی در بخارا بود که منسوبان به آن رامشی (به ضم میم) خوانده می‌شده‌اند.^۲ منابع منسوبان به هر یک (خاندان یا شهر) را به تفکیک مشخص کرده‌اند.^۳ به هر رو، بنابر آنچه گفته شده، واژه رامشت خاستگاهی ایرانی داشته است و هندی دانستن آن چنان‌که که برخی پنداشته‌اند^۴ مقرون به صواب نیست. وجود نام شیرویه در اجداد رامشت و «فارسی»، نافی چنین پنداری است.

عبدیری (۸۳۷د)، توصیفات ویژه‌ای از رامشت به دست می‌دهد او را دارای همت بلند، پر آوازه، صاحب اموال کلان و از بزرگ‌ترین تاجران که سفر به هند می‌کرد بر شمرده و برخی اقدامات او مانند ساختن رباط در مکه را یاد کرده است.^۵ رامشت بازرگان فارسی ثروتمند، با سرمایه بسیار بود. سرمایه او به اندازه‌ای بود که در عصر وی هیچ تاجری در توانگری و جاه و جلال با وی برابری نمی‌کرد.^۶ او صاحب کشتی‌های تجاری بود و به سفرهای دریایی بسیاری می‌رفت و با عنوان «ناخدا» شناخته می‌شد.^۷ کشتی‌هایش دارای نیروی نظامی برای محافظت کشتی از دزدان دریایی بود. هند بیشتر سفرهایش به مقصد هند بود^۸ و تجارت دریایی میان او و حاکم جنوب یمن (عدن) شیخ بلال بن جریر (۵۴۷د)، روابط صمیمانه‌ای را رقم زده بود.^۹ ظاهراً قدیم‌ترین گزارش درباره رامشت را کاتب یکی از نسخه‌های خطی *صورة الارض* ابن حوقل در سده ششم آورده است. در این کتاب در بخش مربوط به فارس، از اهالی سیراف و

۱. نک: فارسی، ۷۱، ۳۷۴، ۴۸۶، ۴۹۶.

۲. یاقوت حموی، ۱۷/۳.

۳. سمعانی، ۴۴۶؛ ابن اثیر، *اللباب*، ۹/۲.

۴. ابراهیم، ۲۳۱.

۵. عبدیری، ۱۰۳.

۶. ابن حوقل، ۲۸۲/۲.

۷. عبدیری، ۱۰۳.

۸. ابن اثیر، *الکامل*، ۶۵/۱۱؛ عبدیری، ۱۰۳.

۹. ابراهیم، ۲۳۱. وی این مطالب را از مجموعه‌ای به نام «*وثائق جنیة*» که مربوط به قرن ششم و هفتم است و در در دانشگاه کمبریج و آکسفورد نگهداری می‌شود نقل کرده است. این مجموعه وثائق توسط «جواتیاین» بررسی و منتشر شده است. بر اساس یکی از گزارش‌های موجود در آن مجموعه، کشتی‌های رامشت که دارای نیروی نظامی بوده در درگیری پیش آمده میان حکمران کیش و حکمران یمن، به کمک حاکم یمن آمده و موجب پیروزی وی شده‌اند.

ثروت و مکنت آنان یاد شده و از رامشت ذکری به میان آمده است. این گزارش حاوی اطلاعاتی در باره فرزندان، خدمه و اموال رامشت است. راوی ناشناخته این خبر می‌گوید در سال ۵۳۹ با موسی، کوچک‌ترین فرزند رامشت، در عدن (شهر ساحلی یمن) دیدار داشته است. به گفته همو رامشت چهار خادم ثروتمند داشت که ثروت هر یک بیش از فرزندش موسی بود. گزارش‌گر می‌گوید که کاتب رامشت بدو گفته هنگام خروج از چین در بیست سال پیش (حدود سال ۵۱۹) سرمایه‌اش پانصد هزار دینار بوده است و ادامه می‌دهد: وقتی که کاتب رامشت چنین توانگر بوده باشد، وضع خود رامشت مشخص است.^۱ این گزارش که شامل اطلاعاتی درباره فرزند رامشت، خادمان و ثروت وی است در منابع دیگر بازتاب نیافته است. روشن است که این خبر بعدها به متن کتاب *صورة الارض* افزوده شده است؛ زیرا به لحاظ زمانی میان درگذشت ابن حوقل (د ۳۶۷هـ) و ولادت رامشت (حدود ۴۵۰) نزدیک به یک قرن فاصله است. این خبر، گزارشی کهن است که ۵ سال پس از مرگ رامشت (۵۳۴هـ) تدوین شده و راوی و یا کاتب *صورة الارض* به تناسب، آن را به متن کتاب افزوده است.

اقدامات و فعالیت‌ها

ساخت بندر. رامشت اهل نیکوکاری و اقدامات عام‌المنفعه بود و جز ارائه خدمات در مکه، در مکان‌های دیگر نیز از خود آثار نیک بر جای گذاشته است؛ نمونه آن ساختن شهر بندری «أهواب» به سال ۵۳۲، در یمن است.^۲ قدیم‌ترین گزارشی که در این باب در دست است، گزارش ابن مجاور (د ۶۹۰) در *تاریخ المستبصر* است. او در توصیف شهرهای یمن و بیان مسافت میان آن‌ها از شهری به نام «أهواب» یاد کرده و می‌نویسد این شهر را ابو القاسم رامشت فارسی در سال ۵۳۲ بنا کرد. اهواب از شهرهای ساحلی یمن و بندر شهر زبید بود که کشتی‌های باز آمده از «عدن» در آن‌جا لنگر می‌گرفتند. در این سال رامشت پس از بازگشت از سفر تجاری هند، در مسیر سفر به مکه، شهر بندری «أهواب» را به گونه زیبایی ساخت و در پایه‌گذاری این شهر از چوب‌های ساج که از هند آورده بود استفاده کرد و در آن‌جا بازارها، جامع و دکان‌ها بر

۱. ابن حوقل، ۲۸۲/۲.

۲. ابن مجاور، ۲۷.

پا کرد.^۱ به احتمال زیاد رامشت که سفر تجاری به هند و چین داشت، این بندر را برای تسهیل در امور تجاری خویش ساخته باشد.

اقدامات در مکه

منابع از اقدامات و آثار ممتاز رامشت در مکه یاد^۲ و چهار اقدام وی در شهر را چنین گزارش کرده‌اند:

۱. تهیه جامه کعبه در سال ۵۳۲هـ.ق. ابن اثیر (د ۶۳۰هـ) نخستین کسی است که در این باب گزارشی نوشته است. وی ذیل حوادث ۵۳۲ ذکر می‌کند که در این سال به جهت اختلاف و درگیری میان حکمرانان برای تعویض جامه کعبه، مقتفی خلیفه عباسی، و سلطان سنجر سلجوقی برای تعویض جامه کعبه که فرسوده و پاره شده بود اقدامی نکردند؛ پس رامشت تاجر فارسی با لباس‌های فاخر و گرانبها که ارزش آن هجده هزار دینار مصری بود کعبه را پوشاند. ابن اثیر در ادامه می‌گوید: رامشت از تجار توانگر و پرمایه‌ای بود که به هند مسافرت نویری (د ۷۳۳هـ) ذیل عنوان خلافت مقتضی و در حوادث سال ۵۳۲ با اشاره به تهیه پرده کعبه توسط رامشت، اختلاف میان پادشاهان سلجوقی را دلیل این اقدام رامشت ذکر کرده است.^۵ دیاربکری (د ۹۶۶هـ) هم بدون ذکر منبع خویش، به تهیه جامه کعبه در سال ۵۳۲ توسط رامشت فارسی^۶ اشاره کرده و نوشته است: جز این، در کعبه نیز چهار شمعدان طلا که وزنش ۱۰ رطل (۵ کیلو) بود، نصب کرد.^۷ از قندیل‌های طلا و وزن آن‌ها در منابع دیگر یادی نشده است.

۲. ساختن جایگاه و مقام برای پیشوای حنفیان در مسجد الحرام،^۸ نخستین کسی که از این اقدام یاد کرده، ابن جبیر (د ۶۱۴هـ) است. وی می‌نویسد: ساخت «مقام حنفی» در مسجد

۱. ابن مجاور، ۲۷۵.

۲. ابن جبیر، ۷۱.

۳. دیاربکری، ۳۶۳/۲؛ کردی، ۴۷۳/۲.

۴. ابن اثیر، الکامل، ۶۵/۱۱.

۵. نویری، ۲۸۴/۲۳.

۶. دیاربکری نام او را به تصحیف، ابن امشت فارسی نوشته است.

۷. دیاربکری، ۳۶۳/۲.

۸. ابن جبیر، ۷۱؛ فاسی، العقد الثمین، ۸۸/۴؛ نواب، ۳۶۲.

الحرام که نزدیک «مقام حنبلی» است، منسوب به رامشت یکی از ثروتمندان عجم است که در مسجدالحرام آثار ممتازی از او به یادگار مانده است.^۱ ابن جبیر به نام آثار دیگر او در مسجدالحرام تصریح نمی‌کند، اما اشاره کلی او به آثار ماندگار رامشت، می‌تواند همان رباط رامشت باشد.

۳. ساخت ناودان طلا برای کعبه^۲. ناودان طلا به سفارش رامشت ساخته شد و بعد از مرگ او او توسط خادمش (مثقال) به همراه هدایای دیگر چون بخوردان و سرپوش برای مقام ابراهیم به مکه آورده شد، این ناودان که وزنش ۷۰ من (۱۴۰ رطل) بود، در سال ۵۳۹ بر کعبه نصب شد، اما در سال ۵۴۱ ناودانی که مقتفی خلیفه عباسی تهیه کرده بود جایگزین آن گردید.^۳

۴. ساخت رباط در مکه: منابع از این رباط با نام‌های رباط رامشت، رباط عجم و رباط ناظر خاص یاد کرده‌اند که هر یک از نام‌گذاری‌ها مربوط به دوره‌ای است.^۴ در زیر به تاریخچه این رباط به تفصیل پرداخته می‌شود:

رباط رامشت

نخستین رباط‌ها توسط مسلمانان در سرحدات و ثغور برای مقابله با دشمن پدید آمد و از قرن چهارم به بعد با تغییر ضرورت‌ها، رباط‌ها در داخل شهرها و به منظور اسکان بینوایان و مسافران ساخته شد. شهر مکه نیز که از مهم‌ترین شهرهای اسلامی و محل حضور افراد بسیار برای زیارت یا اقامت بود، مقتضی ساختن رباط بود؛ زیرا این اقدام می‌توانست مشکل مسکن مسافران را حل کند و گشایشی برای آنان باشد، از این رو افراد نیکوکار پیشگام شده رباط‌هایی ساختند و آن‌ها را وقف نمودند. رباط‌ها گاه ویژه اهالی برخی شهرها و گاه مختص گروه‌هایی چون صوفیه ساخته می‌شد. رباط زرنندی در مکه وقف حاجیان اهل ساوه و زرنند بود و رباط ابن منده اصفهانی برای حجاج اصفهانی وقف شده بود.^۵ رباط‌هایی نیز وقف صوفیه بود که رباط رامشت و رباط خوزی در مکه از آن جمله‌اند.^۶ برخی رباط‌ها هم‌چون رباط رامشت تنها محل اسکان و

۱. ابن جبیر، ۷۱.

۲. ابن حوقل، ۲۸۲/۲؛ ابن فهد، *اتحاف*، ۵۰۷/۲، ۵۰۸؛ فاسی، *العقد الثمین*، ۲۲۰/۱ و ۸۷/۴.

۳. فاسی، *شفاء الغرام*، ۱۷۲/۱؛ فاسی، *الزهور المقتطفة*، ۴۴.

۴. فعر، ۳۳۰.

۵. صباغ، ۶۲۵/۲.

۶. ابن فهد، *اتحاف*، ۳۲/۳.

خوابگاه نبود، بلکه محل حضور عالمان و فعالیت‌های علمی و پژوهش و تدریس بود؛ چنان‌که رباط‌های موجود در مکه تنها ویژه مردان نبود و تعداد رباط‌هایی که مخصوص زنان و وقف آنان بود، بیش از مردان بود. مجموع رباط‌های ساخته شده در مکه از قرن چهارم تا پایان عصر مملوکی (۶۴۸-۹۲۲هـ) که منابع از آن‌ها یاد کرده‌اند، حدود هشتاد رباط بر آورد شده است.^۱

تاریخچه ساختمان. رباط رامشت در ۵۲۹هـ در کنار باب حزوره مسجدالحرام و در سمت راست کسی که از باب حزوره خارج می‌شد، ساخته شد.^۲ عبدری (۸۳۷هـ) موقعیت جغرافیایی رباط را روبروی رکن یمانی ذکر و آن را دارای دو در، یکی داخل حرم شریف و دیگری بیرون از حرم ذکر کرده است.^۳ رباط رامشت دارای سه طبقه بود.^۴

بر اساس وقف‌نامه‌ای که فاسی آن را خوانده، این بنا وقف مردان صوفی بود و در نگارش کتیبه بنا، اشتباهی املائی راه یافته و «باب حزوره» به اشتباه «باب غزوره» نوشته شده بود.^۵ فاسی نسخه مکتوب وقف‌نامه رباط رامشت را در اختیار داشته و در دو مورد از آن استفاده تاریخی کرده است. او سعید بن احمد انصاری را امام حنفیان مسجدالحرام معرفی کرده؛ زیرا که نامش به عنوان شاهد در ذیل وقف‌نامه چنین ثبت شده بود: سعید بن احمد الانصاری المصلی بالحنفیه.^۶ وی ابوبکر بن ابی الحسن طوسی را زنده در سال ۵۲۹هـ می‌داند، زیرا نام او در شمار شمار شاهدان وقف‌نامه رباط رامشت قرار داشت که در این سال کتابت شده بود.^۷

رباط رامشت از همان آغاز تأسیس مورد توجه قرار گرفت؛ بر اساس کتیبه‌ای به تاریخ ۶۱۴هـ یعنی ۸۵ سال پس از ساخت رباط، نیکوکاران، اماکنی بر آن وقف کرده بودند.^۸

۱. نک: حسین شافعی، ص ۶۳، ۹۸، ۲۹۶، ۲۹۸.

۲. ابن ظهیره، ۱۰۱، ۱۸۲.

۳. عبدری، ۱۰۳.

۴. ابن فهد، الدر الکمین، ۴۶۰/۱.

۵. فاسی، شفاء الغرام، ۱۲۱/۱.

۶. فاسی، العقد الثمین، ۱۹۶/۴.

۷. فاسی، العقد الثمین، ۲۶۷/۶.

۸. بنگرید: فعر، ص ۳۳۰؛ حسین شافعی، ص ۴۹. متن این کتیبه چنین می‌باشد:

بسم الله الرحمن الرحيم؛ هذا ما اوقف و تصدق به الفقيه حجة الدين ابوبكر بن علوي بن رسن السلامي عن موكله الناخدا اسماعيل بن عبد الرحمن بن المبارك الناطور السلامي و الشيخ شمس الدين ابوبكر؛ ابن عمر بن شهاب

منابع تاریخ مکه برخی رخدادهای رباط را چنین گزارش کرده‌اند:

در سال ۸۰۲ هـ یعنی ۲۷۳ سال پس از تأسیس، رباط رامشت آتش گرفت و از آنجا آتش به مسجدالحرام سرایت کرد و موجب تخریب قسمت‌هایی از مسجد شد. دو سال مسجد توسط بیسق شیخی، امیر حجاج مصری تعمیر شد^۱ که احتمال دارد تعمیرات او شامل رباط رامشت نیز شده باشد. در سال ۸۱۷ هـ نیز توسط حسن بن عجلان امیر مکه این رباط بازسازی شد.^۲ ۳۷ سال پس از این بازسازی، بنا مجدداً فرسوده شده بود و هنگامی که دانشمند شیرازی احمد بن عبد العزیز در سال ۸۳۹، در طبقه سوم رباط رامشت مشغول تدریس صحیح بخاری بود سقف فرو ریخت، اما آسیبی به کسانی که در طبقه پایین بودند نرسید.^۳

نیم قرن پس از بازسازی اولیه، به سبب فرسودگی عمارت، در ۸۵۴ هـ رباط در اختیار و اجاره وکیل ناظر خاص حرم قرار گرفت تا بازسازی شود، اما علمای قاهره اجاره آن را جایز ندانستند که به همین سبب اجاره فسخ گردید.^۴ سال بعد این مکان توسط ناظر حرم، بردک بیگ تاجی از اساس ساخته شد و مدرسه‌ای در آن احداث گردید.^۵ در این بازسازی از سمت رباط به طرف مسجد، شبکه‌ها و روزنه‌هایی کار گذاشته شد^۶ و علاوه بر رباط، بخشی نیز به عنوان مدرسه تعیین شد. سخاوی می‌نویسد که در اوایل سال ۸۵۵ هـ رباط رامشت به ناظر خاص واگذار شد تا آن را به عنوان رباط و مدرسه تجدید بنا نماید.^۷

الهمدانی عن نفسه وقفا و تصدقا بجمع هذه الدار التي بزقاق باذان علي رباط رامشت الشارع علي الحرم الشريف؛ كل واحد وقف نصفها مشاع و قفية صحيحة شرعية؛ من غير ذلك فعليه لعنة الله و لعنة اللاعنين و الملائكة و الناس اجمعين و ذلك في اواخر ذى الحجة سنة اربع عشرة و ستمائة و صلى الله على محمد و آله؛ عمل عبد الرحمن بن ابي حرمي عنى الله عنه و عن جميع المسلمين و المسلمات و صلى الله على سيدنا محمد و آله (این کتیبه در موزه آثار حرم مکی در مکه نگهداری می‌شود).

۱. ابن قاضی شهبه، تاریخ، ۱۰۳/۴، ۱۰۴؛ ابن ظهیره، ۱۸۲.

۲. فاسی، العقد الثمین، ۲۸۲/۱؛ ۳۹۴/۳؛ فاسی، شفاء الغرام، ۳۷۸/۱؛ فاسی، الزهور المقتطفة، ۱۲۳؛ ابن فهد، غایة

المرام، ۳۵۴/۲.

۳. ابن فهد، الدر الکمین، ۴۶۰/۱.

۴. ابن فهد، اتحاف، ۲۹۹/۴، ۳۰۶.

۵. ابن فهد، اتحاف، ۳۰۶/۴.

۶. سنجاری، ۵۴.

۷. سخاوی، التبر المسبوك، ۱۰۴/۳.

پس از این بازسازی، رباط رامشت تغییر نام داد و به رباط ناظر خاص شناخته شد. ابن فهد (د ۸۸۵هـ)، نام جدید این رباط را به کار برده^۱ و منابع بعدی نیز آن را رباط ناظر خاص خوانده‌اند. ابن ظهیره (د ۹۸۶هـ)، اظهار می‌کند که در زمان وی رباط رامشت به رباط «ناظر الخاص» شناخته می‌شده و به این تغییر نام در دو جا اشاره کرده است.^۲ نهروانی هم (د ۹۹۰هـ) در سه جای کتاب *الاعلام*، ذکر می‌کند که رباط رامشت در عصر وی به رباط ناظر خاص شناخته می‌شده است.^۳

هرچند رباط تغییر نام داد، اما مدرسه داخل آن همچنان به عنوان مدرسه رامشت شناخته می‌شد؛ زیرا به گفته عصامی در سال ۹۲۰هـ محمد فرزند سلطان مصر ملک الاشرف غوری که به همراه پدر به حج رفته بود در مدرسه «ملک التجار رامشت» توفقی کرد.^۴ منابع دیگر نیز به این مدرسه اشاره کرده‌اند. علی بن عبد القادر طبری (د ۱۰۷۰)، ضمن اشاره به رباط ناظر خاص می‌گوید که مدرسه معروف به مدرسه رامشت، در آن واقع است^۵ و اظهار کرده که هنوز بر آن، نام مدرسه اطلاق می‌شود.^۶

بر اساس گزارش سنجاری (د ۱۱۲۵هـ)، رباط رامشت پس از بازسازی بردک بیک تاجی همچنان بوده است.^۷ رضی الدین عاملی (د ۱۶۳هـ) نیز می‌نویسد رباط رامشت اینک به نام نخلیه شناخته می‌شود و مدرسه بزرگی است.^۸ نام نخلیه برای رباط نام جدیدی است که نخستین بار در این کتاب از آن یاد شده و در منابع بعدی و نیز کتاب‌های پژوهشی معاصر نامی از آن نیامده است.

۱. ابن فهد، *تحاف*، ۴۲۰/۳.

۲. ابن ظهیره، ۱۰۱، ۱۸۲.

۳. نهروانی، ۱۹۳، ۲۱۹، ۲۳۸.

۴. عصامی، ۳۲۹/۴.

۵. طبری، ۷۸.

۶. طبری، ۸۱.

۷. سنجاری، ۵۴.

۸. عاملی، ۷۸/۱.

کارکرد رباط

رباط رامشت وقف صوفیان و محل استقرار آنان بود و کاربرد آموزشی و پژوهشی داشت. منابع از عالمانی یاد کرده‌اند که به طور موقت یا دائم در این مکان سکونت گزیده‌اند. قدیم‌ترین گزارش در این باب، گزارشی از ابن عساکر (۵۷۱د هـ) است که از حضور ابو الفتح عامر بن نجا ساوی در سال ۵۴۵ هـ در «رباط رامشتی»^۱ یاد کرده است.^۲ سبکی (۷۷۱د هـ)^۳ و ابن قاضی شهبه (۸۵۱د هـ)^۴، نیز این خبر را به نقل از ابن عساکر آورده‌اند.

شیخ شهاب الدین سهروردی (۶۳۲د هـ) صاحب کتاب *عوارف المعارف* از جمله منزل گزیدگان در این رباط بوده است. ابن ظافر خزرگی (۶۸۲د هـ)، در کتاب *اخبار الاولیاء* از دیداری عاشقانه میان او و شیخ عبد الله ذکالی، مشهور به ابو لکوط (۶۲۹د هـ)، که صاحب کرامات نیز بود، در همین رباط خبر داده است.^۵ در واقع دانشمندانی که بیش‌تر گرایش به تصوف داشته‌اند داشته‌اند از جمله ساکنان رباط رامشت بوده‌اند:

۱. شیخ صالح شمس الدین محمد بن احمد معروف به ابن قزّاز (۷۰۵د هـ)، که جوار کعبه گزیده بود و هر روز یک ختم قرآن داشت.^۶ ۲. محمد زیلعی (۷۲۱د هـ)^۷، ۳. شمس الدین احمد احمد بن محمد مراغی (بعد ۷۳۰د هـ) از مشایخ صوفیه^۸، ۴. فضل الله غوری (۷۵۵د هـ) که به عبادت بسیار ستوده شده^۹، ۵. یعقوب بن عمر شافعی معروف به کورانی (۷۵۷د هـ)^{۱۰}، ۶. محمد بن محمد خجندی (۷۶۴د هـ)، مشهور به صائم الدهر^{۱۱}، ۷. علی بن محمد علوی معروف به خوارزمی (۷۶۸د هـ)^{۱۲}، ۸. عبد الله بن ابی بکر معروف به کردی (۷۸۵د هـ) که مصاحب عبد

۱. در متن رباط رامشتی آمده است نه رباط رامشت.

۲. ابن عساکر، ۲۹۷/۱.

۳. سبکی، ۲۲۸/۶.

۴. ابن قاضی شهبه، *مناقب الامام الشافعی*، ۶۱۱.

۵. ابن ظافر، ۱۳۷.

۶. برزالی، ۳۱۴/۲؛ فاسی، *العقد الثمین*، ۹/۲؛ سلامی، ۱۳۷.

۷. فاسی، *العقد الثمین*، ۴۴۰/۲.

۸. سخاوی، *الضوء اللامع*، ۲۱۶/۲.

۹. ابن فهد، *الدر الکمین*، ۱۱۷۲/۲.

۱۰. فاسی، *العقد الثمین*، ۲۴۶/۶.

۱۱. ابن فهد، *الدر الکمین*، ۳۹۹/۱.

۱۲. فاسی، *العقد الثمین*، ۳۰۶/۵.

الله یافعی بود^۱، ۹. سعد الله بن عمر اسفراینی (۷۸۶هـ) که با لقب صوفی شناخته می‌شد و برخی به دست وی خرقه تصوف پوشیده‌اند^۲، ۱۰. احمد بن عبد العزیز شیرازی (۸۳۹هـ)، صاحب کرامات و آگاه به سلوک و طریقه کبار صوفیه، هر چند از نظرات ابن عربی پرهیز می‌کرد^۳، ۱۱. احمد بن عبد الله مرشدی که در کنار فضیل بن عیاض دفن شد^۴.

چنان که از انتساب اینان پیداست، بیش‌تر غیر عرب و خاستگاهشان اماکنی چون شیراز، اسفراین، مراغه، غور، خجند و خوارزم بود و هم احتمالاً از این رو، نام این رباط را برخی رباط عجم خوانده‌اند^۵.

مَشِیخَه رِبَاط. فاسی از افرادی به عنوان «مَشِیخَه رِبَاط» رامشت یاد کرده که وظیفه آنان اداره رباط و رسیدگی به امور آن بود. این افراد اینها بودند: حیدر بن حسین بن حیدر فارسی که شیخ رباط رامشت بود و در سال ۷۵۹هـ درگذشت^۶، ناصر الدین خُجندی^۷، شمس الدین محمد محمد بن محمود خوارزمی مشهور به مُعید (۸۱۳هـ) که متولی مَشِیخَه رِبَاط رامشت بود^۸، و احمد بن محمد خوارزمی مشهور به ابن المُعید (۸۵۰هـ) که جانشین پدرش در رباط رامشت شد^۹.

مجالس درس در این رباط برقرار می‌شد که نمونه آن تدریس صحیح بخاری توسط همام الدین احمد بن عبد العزیز شیرازی (۸۳۹هـ) بود^{۱۰} علاوه بر این فعالیت‌های پژوهشی نیز در

۱. فاسی، العقد الثمین، ۳۲۷/۴؛ بامخرمة، ۳۳۲/۶.

۲. فاسی، العقد الثمین، ۱۸۵/۴؛ مقریزی، ۹۸/۲؛ هیلة، ۷۵.

۳. ابن فهد، الدر الکمین، ۴۶۰/۱؛ سخاوی، الضوء اللامع، ۳۴۸/۱.

۴. ابن فهد، الدر الکمین، ۹۴/۱؛ ۴۶۹/۴.

۵. خزرجی، ۳۱۲/۲.

۶. فاسی، العقد الثمین، ۴۵۹/۳.

۷. فاسی، العقد الثمین، ۳۹۹/۲.

۸. فاسی، العقد الثمین، ۳۹۹/۲.

۹. ابن فهد، الدر الکمین، ۵۵۵/۱.

۱۰. ابن فهد، الدر الکمین، ۴۶۰/۱.

رباط رامشت انجام می‌شد، چنان‌که اسفراینی (۷۸۶هـ) کتاب *زبدة الاعمال و خلاصة الافعال* خویش را بر اساس نسخه خطی موجود از آن کتاب، در رباط رامشت نوشته بوده است.^۱

کتیبه رباط رامشت

یافته شدن سنگ نوشته بنای رباط رامشت در سال ۱۳۹۷هـ که اینک در موزه آثار حرم مکی در مکه نگهداری می‌شود، زوایای دیگری از شخصیت رامشت را روشن کرده و بر مطالب منابع مکتوب صحنه گذاشته است و مشخص کرده که مطالب نقل شده توسط فاسی از این کتیبه کاملاً مطابق با این سنگ‌نوشته بوده و فاسی برخی اطلاعات خویش را از همین سنگ‌نوشته بر گرفته است. این سنگ‌نوشته به زبان عربی و دارای هفت سطر به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحيم هذا ما اوقف و تصدق الشيخ الاجل معين الدين شيخ الاسلام؛
غياث الحرمين جمال الطائفتين ابوالقاسم رامشت ابن الحسين بن شيرويه/ ابن الحسين ابن
جعفر الفارسي جميع هذا الرباط بجوار عزوره عند باب/ الحرم الشريف على جميع الصوفية
الرجال دون النساء اصحاب المرقعة من سائر العراق/ و خراسان الحاج و المجاورين وقفا مؤبدا و
صدقة محرمة محبسة الى ان يرث الله الارض و من عليها/ و هو خير الوارثين فمن غيره او بدله
فعليه لعنة الله و لعنة اللاعنين و الملائكة و الناس اجمعين و لا قبل/ الله منه صرفا و لا / عدلا و
لا اقام له يوم القيامة وزنا و ذلك في شهر رمضان سنة تسع و عشرين و خمسمائة.^۲

در میان پنج تعبیر تفخیمی که در این کتیبه برای رامشت به کار رفته، تنها واژه «غیاث الحرمین» در منابع مکتوب یاد شده بدان اشاره شده بود و به نقل از عبدی این واژه عیناً در

۱. فاسی، *العقد الثمین*، ۴/ ۱۸۵؛ هیله، ۷۵.

۲. این اثر در «متحف آثار الحرم المکی» نگهداری می‌شود. نوع سنگ بازلت است و اندازه آن ۳۴ در ۱۰۳ سانتی‌متر به صورت مستطیل، دارای هفت سطر و به خط نسخ است. (نک: فعر، ص ۲۸۴). ترجمه متن کتیبه: بسم الله الرحمن الرحيم، این بنا را شیخ والا، یاری‌گر دین، شیخ الاسلام، پناه حرمین و جمال دو طائفه، ابو القاسم رامشت بن حسین بن شیرویه بن حسین بن جعفر فارسی وقف کرد. همه این نوانخانه را که در کنار باب عزوره حرم شریف است، بر همه مردان-نه زنان- صوفی، ژنده‌پوشان از عراق و خراسان، زائران و مجاوران حرم، وقف ابدی و صدقه موقوفه کرد و تصرف در آن حرام است، تا این که خداوند زمین و خلایق آن را به ارث برد و او بهترین وارثان است. کسی که این وقف را تغییر دهد یا تبدیل نماید، لعنت خدا و لعنت‌کنندگان و ملائکه و مردم همه بر او باد و خداوند توبه و کار نیکی را از او نپذیرد و در روز قیامت ارجی نداشته باشد و خدا برای او میزانی بر پا نکند. این وقف در ماه رمضان سال ۵۲۹ به انجام رسید.

سنگ قبر او نیز وجود داشته،^۱ اما به چهار تعبیر دیگر (شیخ اجل، معین الدین، شیخ الاسلام و جمال الطائفین) در منابع مکتوب اشاره‌ای نشده است. مراد از «جمال الطائفین»، می‌تواند اشاره به مقبولیت او نزد صوفیان و متشرعه باشد.

تربت رامشت

رامشت در سال ۵۳۴هـ درگذشت، جنازه‌اش در تابوتی توسط خادمش «مئقال» به مکه آورده شد و در سال ۵۳۷هـ در قبرستان مَعْلَاة (ابو طالب فعلی) دفن شد.^۲ مدفن او دارای مقبره و بارگاه بود و فاسی (۸۳۲هـ)، اظهار می‌کند که اطلاعات مربوط به نسب و تاریخ درگذشت رامشت را از حجره‌ای که بر قبر او بوده اخذ کرده است.^۳

محل دفن رامشت به «تربت رامشت» شناخته می‌شد و منابع مدفن عده‌ای از دانشمندان چون ابراهیم بن محمد کردی (۸۵۳هـ)^۴ و عبد الرحمن بن حسن خالدی (۸۴۲هـ)^۵ را در «تربت رامشت» ذکر کرده‌اند و عبدیری (۸۳۷هـ) که کتابی درباره مدفونین قبرستان مَعْلَاة تدوین کرده، عنوانی را به رامشت اختصاص داده و سنگ‌نوشته قبر او را خوانده و مفصل‌تر از فاسی از متن آن گزارشی ارائه کرده است. بر اساس گزارش عبدیری بر روی این سنگ پس از «بسم الله» و درج آیه «کل نفس ذائقة الموت» چنین نوشته شده بوده است: «هذا قبر الشيخ الشهيد غياث الحرمين الناخذه ابراهيم رامشت بن الحسين بن شيرويه بن الحسين بن جعفر الفارسي توفي في شهر شعبان سنة اربع و ثلاثين و خمسمائة رحمه الله تعالى و رحم من ترحم عليه و صلى الله على سيدنا محمد و آله و صحبه و سلم».^۶

۱. عبدیری، ۱۰۳.

۲. ابن فهد، *تحاف*، ۵۰۷/۲، ۵۰۸؛ فاسی، *العقد الثمین*، ۲۲۰/۱؛ سنجاری، ۲۴۶/۲. هر چند میان درگذشت رامشت و دفن وی در قبرستان مَعْلَاة سه سال فاصله است. به احتمال او ابتدا در منطقه‌ای که درگذشته دفن شده و سپس جنازه‌اش به مکه منتقل شده است چنان‌که جمال الدین جواد اصفهانی نیز که آثار ماندگاری در مکه از خود به جای گذاشت در سال ۵۵۹هـ در موصل درگذشت و همان‌جا دفن شد، اما در سال ۵۶۰هـ جنازه‌اش به مکه آورده شد، سپس به مدینه منتقل شد و در همان‌جا دفن شد. (ابن خلکان، ۱۴۳/۵).

۳. فاسی، *العقد الثمین*، ۸۸/۴.

۴. ابن فهد، *الدر الکمین*، ۶۲۲/۱.

۵. ابن فهد، *الدر الکمین*، ۸۰۶/۲؛ سخاوی، *الضوء اللامع*، ۷۴/۴.

۶. عبدیری، ۱۰۳.

در سنگ‌نوشته‌ای که عبدری آن را نقل کرده، سه تعبیر شهید، غیاث الحرمین و ناخذه وجود دارد. ناخذه/ ناخدا اشاره به سفرهای دریایی اوست. غیاث الحرمین نیز اشاره به خدمات عمرانی او در حرم دارد، اما دانسته نیست تعبیر شهید به چه سببی به کار رفته است. سنگ قبر رامشت که علاوه بر فاسی، عبدری نیز آن را قرائت کرده، هنوز یافت نشده است. کتاب *احجار المعلاة الشاهدیة بمكة*، نوشته خلیفه بن عبد الله، که به بررسی سنگ قبرهای یافته شده در قبرستان معلاة می‌پردازد، نیز نشانی از سنگ قبر رامشت نمی‌دهد.

نتیجه

منابع عربی حاوی اطلاعات قابل توجهی در باب فعالیت‌ها و خدمات ایرانیان به تمدن اسلامی است. رامشت فارسی که شرح حال و خدماتش در این نوشته با کاوش در منابع عرضه شده یکی از این نمونه‌هاست. وی با تأسیس رباط در مکه به روند دانش‌جوئی و پژوهش کمک رساند و با وقف آن مکان برای صوفیان در راه تقویت آنان گام برداشت. بررسی اسم‌های منسوب دانشمندان و مقیمان در رباط رامشت، نشان آن است که بیشتر ساکنان این رباط، عالمان برخاسته از حوزه جغرافیایی ایران قدیم بودند که با حضور در مناطق مختلف جهان اسلام و از جمله مکه به رونق فرهنگی و علمی جامعه اسلامی می‌افزوده‌اند.

کتابشناسی

- ابراهیم، محمد کریم، *العلاقة التجارية بين عدن و الهند خلال القرنين السادس و السابع الهجريين*، مجله *المورخ العربي*، شماره ۳۳، سال ۱۴۰۷ هـ.
- ابن اثیر، علی بن محمد، *الکامل فی التاریخ*، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ هـ.
- ابن اثیر، علی بن محمد، *اللباب فی تهذیب الانساب*، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ هـ.
- ابن جبیر، أبو الحسن محمد بن أحمد، *رحلة ابن جبیر*، بیروت، دار و مكتبة الهلال، بی تا.
- ابن حوقل، *صورة الارض*، بیروت، دار صادر (افست لیدن)، ۱۹۳۸ م.
- ابن خلکان، احمد بن محمد، *وفیات الأعیان و أنباء أبناء الزمان*، قم، منشورات الشریف الرضی، ۱۳۶۴ ش.
- ابن ظافر، صفی الدین محمد بن محمد حسن خزرچی، *اخبار الاولیاء المسمی رساله صفی الدین بن ظافر*، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۳۰ هـ.

- ابن ظهیر، محمد بن محمد، *الجامع اللطیف فی فضل مکة و أهلها و بناء البيت الشریف*، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۲۳هـ.
- ابن عساکر، علی بن الحسن بن هبة الله الدمشقی، *تبيين كذب المفتري*، بیروت، دار الكتاب العربي، ۱۴۰۴هـ.
- ابن فهد، عبد العزيز بن عمر، *غایة المرام بأخبار سلطنة البلد الحرام*، مكة، جامعة أم القرى، ۱۴۰۶هـ.
- ابن فهد، عمر بن محمد، *اتحاف الوری بأخبار ام القرى*، تحقیق فهیم محمد شلتوت، مکة، جامعه ام القرى، ۱۴۲۶هـ.
- ابن فهد، عمر بن محمد، *الدر الکمین بذیل العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین*، بیروت، دار خضر، ۱۴۲۱هـ.
- ابن قاضی شهبه، ابو بکر بن احمد، *تاریخ ابن قاضی شهبه*، دمشق، المعهد العلمی الفرنسی للدراسات العربية، ۱۴۱۸هـ.
- ابن قاضی شهبه، ابو بکر بن احمد، *مناقب الإمام الشافعی و طبقات أصحابه*، دمشق، دار البشائر، ۱۴۲۴هـ.
- ابن کثیر، إسماعیل بن عمر، *البدایة و النهایة*، بیروت، دار الفکر، ۱۳۹۸هـ.
- ابن مجاور، یوسف بن یعقوب، *تاریخ المستبصر، صفة بلاد الیمن و مكة و بعض الحجاز*، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۹۹۶ م.
- با مخرمة، عبدالله طیب بن عبد الله، *قلادة النحر فی وفيات أعبان الدهر*، بیروت، دار المنهاج، ۱۴۲۸هـ.
- برزالی، قاسم بن محمد، *المقتفی علی کتاب الروضتین المعروف بتاریخ البرزالی*، بیروت، المكتبة العصرية، ۱۴۲۷هـ.
- حسین شافعی، حسین عبد العزیز، *الاربطه فی مكة المكرمة منذ البدایات حتی نهایة العصر المملوکی*، مراجعه: عباس صالح طاشکندی، مكة المكرمة، مؤسسة الفرقان للتراث الاسلامی، ۱۴۲۶هـ.
- خزرجی، علی بن الحسن، *العقود اللؤلؤیة فی تاریخ الدولة الرسولیة*، تحقیق محمد بسیونی عسل، بیروت، دار صادر، ۱۳۲۹.
- خليفة بن عبدالله الخليفة، *احجار المعلاة الشاهديّة بمكة المكرمة*، ریاض، مكتبة الملك فهد الوطنية، ۲۰۰۴.
- دوغان، اسراء، *تاریخ حج گزاری ایرانیان*، قم، نشر مشعر، ۱۳۸۹ش.

- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- دیار بکری، حسین بن محمد، تاریخ الخمیس فی أحوال أنفیس نفیس، بیروت، دار صادر، بی تا.
- ذهبی، محمد بن احمد، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، بیروت، دار الكتاب العربی، ۱۴۰۹هـ.
- سبکی، عبد الوهاب بن علی، طبقات الشافعیة الكبرى، بیروت، دار إحياء الكتب العربية، بی تا.
- سناوی، محمد بن عبد الرحمن، التبر المسبوك فی ذیل السلوك، قاهرة، دار الكتب و الوثائق القومية، ۱۴۲۴هـ.
- سناوی، محمد بن عبد الرحمن، الضوء اللامع لأهل القرن التاسع، بیروت، منشورات دار مكتبة الحياة، بی تا.
- سلامی، محمد بن رافع دمشقی، تاریخ علماء بغداد المسمى منتخبا المختار، بیروت، الدار العربية للموسوعات، ۱۴۲۰هـ.
- سمعی، عبد الکریم بن محمد، الانساب، حیدر آباد، دائرة المعارف العثمانية، ۱۳۸۲هـ.
- سمهودی، علی بن احمد، وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، بیروت، دار الكتب العلمية، ۲۰۰۶م.
- سنجاری، علی بن تاج الدین، مناقح الکریم فی أخبار مکه و البيت و ولاة الحرم، مکه، جامعة أم القرى، ۱۴۱۹هـ.
- صباغ، محمد بن احمد مکی، تحصیل المرام فی أخبار البيت الحرام و المشاعر العظام و مکه و الحرم و ولائها الفخام، مکه، مكتبة الأسدی، ۱۴۲۴هـ.
- طبری، علی بن عبد القادر، الأرج المسکی، ریاض، المكتبة التجارية، ۱۴۱۶هـ.
- عاملی، رضی الدین بن محمد، تنزیذ العقود السنیة بتمهید الدولة الحسینیة، قم، معهد الدراسات لتتحقیق انساب الاشراف، ۱۳۸۸ش.
- عبدری، جمال الدین محمد بن علی، الشرف الاعلی فی ذکر قبور مقبرة باب المعلاء، تحقیق منصور بن صالح ابو ریاش، مکه المکرمة، فهرسة مكتبة الملك فهد الوطنية اثناء النشر، ۱۴۲۱هـ.
- عصامی، عبد الملك بن حسین، سمط النجوم العوالی فی أنباء الاوائل و التوالی، بیروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۹هـ.
- فارسی، عبد الغافر بن اسماعیل، تاریخ نيسابور: المنتخبا من السياق، قم، جماعة المدرسين فی الحوزة العلمية، ۱۴۰۳هـ.

- فاسى، تقى الدين محمد بن احمد، *الزهور المقتطفة من تاريخ مكة المشرفة*، رياض، مكتبة نزار مصطفى الباز، ١٤١٨هـ.
- فاسى، تقى الدين محمد بن احمد، *العقد الثمين فى تاريخ البلد الامين*، تحقيق محمد عبد القار احمد عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، ١٤١٩هـ.
- فاسى، تقى الدين محمد بن احمد، *شفاء الغرام باخبار البلد الحرام*، تحقيق على عمر، القاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ٢٠٠٧م.
- فجر، محمد فهد عبد الله، *تطور الكتابات و النقوش فى الحجاز منذ فجر الاسلام حتى منتصف القرن السابع الهجرى*، جده، نهامة للنشر، ١٤٠٥هـ.
- كردى، محمد طاهر مكى، *التاريخ القويم لمكة و بيت الله الكريم*، بيروت، دار خضر، ١٤٢٠هـ.
- مقرىزى، احمد بن على، *درر العقود الفريدة فى تراجم الاعيان المفيدة*، بيروت، دار الغرب الإسلامى، ١٤٢٣هـ.
- نواب، عواطف محمد يوسف، *الرحلات المغربية و الأندلسية مصدر من مصادر تاريخ الحجاز فى القرنين السابع و الثامن الهجريين*، رياض، مكتبة الملك فهد الوطنية، چاپ اول، ١٤١٧هـ.
- نوبرى، شهاب الدين أحمد بن عبد الوهاب، *نهاية الارب فى فنون الأدب*، القاهرة، دار الكتب و الوثائق القومية، ١٤٢٣هـ.
- نهروانى، محمد بن احمد، *كتاب الإعلام بأعلام بيت الله الحرام*، مكة المكرمة، المكتبة التجارية، ١٤١٦هـ.
- هيلة، محمد حبيب، *التاريخ و المؤرخون بمكة من القرن الثالث الهجرى إلى القرن الثالث عشر*، مكة المكرمة، الفرقان للتراث الإسلامى، ١٩٩٤م.
- ياقوت حموى، *معجم البلدان*، بيروت، دار صادر، ١٩٩٥م.



